

الزامات احیای تمدن اسلامی و اثر آن بر تحقق ظهور

فاطمه کارگر حاجی آبادی^۱

چکیده

بشر به واسطه ی زندگی اجتماعی که از ابتدا با هم‌نوعان خود داشته، در طول تاریخ ناگزیر دائماً به دنبال ایجاد توازن در روابط اجتماعی خویش و رسیدن به راه صحیح زندگی اجتماعی با هدف دستیابی به پیشرفت و سعادت بوده است. در طول تاریخ هر مکتبی به دنبال معرفی نمونه ی جهانی حاکمیت به بشریت بوده که در این بین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی، بهترین نمونه ی تمدنی برای رسیدن به جامعه ی تکامل یافته ی انسانی ارائه کرده است. در طی هزار و چهارصد سال گذشته بنا به اتفاقات درونی جامعه ی اسلامی، مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی، دچار فراز و فرود هایی شد که در نوشتار حاضر به اصلی ترین نکات جهت احیای تمدن اسلامی برای رسیدن به ظهور آخرین تمدن ساز بشریت، به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه ی اسنادی پرداخته شده است. دستاورد های به دست آمده از نوشته حاضر شامل بازگشت حقیقی به قرآن، اقتدا به سیره ی رسول الله(ص)، اهتمام به وحدت، خوسازی، نظام سازی، تمدن اسلامی و ابزار جهانی تحقق ظهور است.

کلید واژه: تمدن، محجوریت، سنت، وحدت، گام دوم انقلاب، خودسازی، نظام سازی، جهانی شدن

^۱ دانش آموخته سطح دو، حوزه علمیه حضرت زینب(س)، شهرستان ایذه

مقدمه

از ابتدای تاریخ زندگی بشر، افراد به دنبال ایجاد یک زندگی اجتماعی همراه با تعامل های مفید در جهت بقا و امنیت خود بوده اند. بر اثر رشد فکری انسان و بهره گیری از آموزه های انبیای الهی در جهت سعادت حقیقی، انسان ها به دنبال رسیدن به مدل صحیحی از ایجاد تمدن بشری، برای دستیابی به منافع دنیوی و در ادامه سعادت اخروی، مدل های مختلفی از زندگی اجتماعی را تجربه کردند. در این میان دین اسلام، با ارائه ی ایدئولوژی کامل برای زندگی صحیح اجتماعی، و پیامبر اسلام(ص) به عنوان الگوی عملی کاربرد حاکمیت اسلامی در پیشرفت های همه جانبه ی جامعه، به فهم عمومی بشر از سعادت و عدالت خدمت بسیار بزرگی کردند. اما به واسطه ی ضعف های انسانی جامعه ی پس از پیامبر(ص)، مسیر دستیابی به تمدن جهانی اسلام به تاخیر افتاد.

حال سوال اساسی اینجاست: چه الزاماتی در جامعه اسلامی مفقود شد که مسلمانان از جهانی شدن اسلام، به عنوان یک ایدئولوژی کامل زندگی بشری فاصله گرفتند؟ و به چه هدف گذاری هایی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی و در نهایت تحقق ظهور آخرین منجی بشریت نیاز دارند؟ لذا پژوهش حاضر بر آن است که بر خلاف همه ی پژوهش هایی که تا کنون به صورت پراکنده به الزامات اصلی احیای تمدن اسلامی پرداخته اند، به صورت مختصر و هدف گذاری شده با نگاهی به بیانیه ی گام دوم انقلاب اسلامی، الزامات اساسی احیای تمدن نوین اسلامی را مورد بررسی قرار داده و مسیر رسیدن به ظهور را ترسیم نماید.

پیرامون پیشینه ی مقاله حاضر میتوان به این آثار اشاره کرد. کتاب "از انقلاب اسلامی تا تمدن اسلامی"، اثر برگزیده بخش تمدن اسلامی جشنواره کتاب سال رضوی، «نوشته ی حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حسن وکیلی(۱۳۹۸)»؛ این کتاب تقریباً جامع ترین منبعی به نظر می آید که مسیر انقلاب اسلامی برای رسیدن به تمدن اسلامی با نگاه به علوم انسانی- اجتماعی بیان کرده است، اما اشاره ای به الزامات تمدنی اسلام به صورت خاص در آن به چشم نمی خورد.

دیگر اثر مقاله ی " الزامات نظری احیای تمدن ایرانی اسلامی " به نگارش آقای مجید کافی(۱۳۹۵) است. این دانشجوی دانشگاه تهران در مقاله ی خود ضمن اشاره به علل جغرافیایی و بیرونی افول تمدن اسلامی، در فصلی از مقاله ی خود با امکان سنجی احیای تمدن اسلامی اعلام میدارد که به واسطه ی آسمانی بودن اوامر دین اسلام، این دین قابلیت احیای تمدنی خود را دارد؛ حال آنکه در حال حاضر باید دید جامعه ی اسلامی برای احیای تمدن جهانی، نیازمند چه الزامات مهمی می باشد که در مقاله حاضر به آن پرداخته شده است.

در این پژوهش از روش نقلی- وحيانی و نقلی تاریخی- تحلیلی استفاده شده است. با بررسی های بسیار و کمبود اسناد مکتوب پیرامون موضوع نظام سازی، با بهره گیری از نسخه های الکترونیک معتبر و سامانه های رایانه ای و نرم افزار های علمی، مطالب به صورت منسجم و دسته بندی شده، گرد آمده است.

در مقاله حاضر اطلاعات مورد نظر در منابع معتبر، مطالعه شده و با جمع آوری اطلاعات و پردازش آن ها از طریق فیش برداری، متن نهایی مکتوب شده است که در ابتدا اساسی ترین مفهوم مورد نیاز بشریت، یعنی تمدن به صورت مفهومی شرح داده شده و پس از آن الزامات احیای تمدن اسلامی در فصول بازگشت حقیقی به قرآن، اقتدا به سیره ی رسول الله(ص)، اهتمام به وحدت، خوسازی، نظام سازی، تمدن اسلامی و ابزار جهانی تحقق ظهور بررسی شده است.

تمدن

تمدن در لغت به معنای شهرنشینی آمده^۱ که تنها به معنای اجتماع انسانی در یک منطقه با خانه ها و خیابان ها و... نیست، بلکه مدنیت به معنای وجود قوانین مکتوب و مدیریت شهری می باشد. از این رو پیامبر زمانیکه یثرب را با قوانین و مدیریت منضبط به شهری مدنی و دولت شهری اسلامی تبدیل کرد، نام آن به مدینه النبی تغییر یافت.

بنابراین تمدن در اصطلاح، نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه به صورت ویژه رخ می نماید. تمدن مجموعه ای پیچیده از پدیده های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیبا شناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یک دیگر است.

بازگشت حقیقی به قرآن

بازگشت به قرآن یکی از مهمترین راه حل های اصلاحی متفکران مسلمان برای دستیابی به زندگی حقیقی و نشر فرهنگ صحیح اسلامی در دوران معاصر بوده است. از نظر بسیاری از متفکران اسلامی یکی از اصلی ترین علل ایجاد زوال در جهان اسلام، عدم توجه و تعمق در قرآن کریم بوده است.

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَحْجُورًا»^۲ و پیامبر گفت: پروردگارا به راستی پیروان من این قرآن را متروک گذاردند.

قرآن برای ترسیم زندگی بشر آمده است و باید در متن زندگی مردم باشد و در ابعاد مختلف عبادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، الگوی عمل قرار گیرد.

مولا علی (ع) در اهمیت کتاب هدایت بودن قرآن می فرمایند: قرآن امر کننده به کار نیک و باز دارنده از زشتی ها است، خاموشی گویاست، حجت خدا بر خلق اوست، از آنان نسبت به قرآن پیمان گرفت و وجود باطنی آنان را در گرو این قرآن نهاد، نور آن را تمام و دین خویش را به وسیله آن کامل فرمود.^۳

بی اعتنائی به قرآن، علاوه بر خسارات جبران ناپذیری که برای جوامع مسلمان در پی دارد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نیز آزرده خاطر می سازد و از امت خویش که سبب هجر و ترک عملی قرآن شده اند، به خدا شکایت کرده مانند کسی که حقش را گرفته باشند، برای کمک و چاره جویی در پیشگاه خداوند ایستاده

^۱ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۳۶۵

^۲ فرقان: ۳۰

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳

و خدا را گواه می‌گیرد که او هرگز در راه اجرا و زنده کردن قرآن کوتاهی نکرده است، ولی مردم آن همه زحمت را نادیده گرفتند.^۱

چنان که پیوند با قرآن دارای درجات مختلف است، ترک آن نیز مراتبی دارد.

دقت در زندگی مسلمانان این حقیقت را روشن می‌سازد که همه مردم در ترک قرآن یکسان نیستند، برخی آن را در ظاهر می‌پذیرند و در باطن، کافرند و ایمان منافقانه دارند، برخی براستی آن ایمان دارند، به آن گوش فرا می‌دهند و خوب می‌خوانند، ولی در معانی آن تدبر نمی‌کنند و معارف بلند آن را در نمی‌یابند. برخی دیگر آن را به عنوان نخستین پایه تشریع و قانونگذاری می‌دانند، ولی تحلیل و تحقیق آیاتش را ترک می‌کنند. عده‌ای آن را اساس زندگی خویش قرار نمی‌دهند، در حالی که می‌دانند «قرآن پیروانش را به استوارترین راهها هدایت می‌کند». عده‌ای آن را قدیمی و وابسته به دوران گذشته قلمداد می‌کنند و در جهان پیشرفته بی‌اثر می‌دانند و در قوانین اجتماعی به مکتبهای سیاسی و فلسفی بیگانگان رو می‌آورند.

مهمتر از همه گاهی می‌گویند: قرآن از عالم پاک است و ما از عالم خاک، و دست بشر به ساحت قدس آن نمی‌رسد و توان فهم آیات آن را ندارد و به این بهانه آن را از صحنه خارج می‌سازند.

جمعی می‌گویند: قرآن گرچه از نظر سند و انتساب آن به خدا قطعی و یقینی است، ولی دلالت آیات بر احکام خدا و مقصود او گمانی و غیر یقینی است و نمی‌توان بدان اعتماد کرد.^۲

این نوع موضعگیری هاست که زمینه کنار گذاشتن قرآن از متن زندگی را فراهم می‌آورد.

اقبال لاهوری یکی از این متفکران و روشنفکرانی است که معتقد است باید این کتاب حفظ و حقایق آن نیز آشکار گردد:

حفظ قرآن عظیم آیین تست / حرف حق را فاش گفتن دین تست^۳

اقبال در منظومه‌ی شعر جاویدنامه، غربت دین پیامبر گرامی اسلام (ص) را عدم تأمل در آیات قرآن و کلام الهی می‌داند و یاد آوری می‌کند که مسلمانان برای شناخت عصر حاضر باید به تفکر در آیات الهی بپردازند؛ زیرا حیات امت اسلام در گرو قرآن می‌باشد.

اقتدا به سیره‌ی رسول الله (ص)

انبیای الهی صفات مشترکی دارند. این صفات شامل دو دسته است: صفات عملی و صفات معنوی (کمالات روحی). عمده‌ی صفات عملی عبارت‌اند از دعوت به توحید، تقوا، برطرف کردن اختلافها،

^۱ جمعی از نویسندگان، یکصد آیه یکصد درس، ص ۱۰۶

^۲ جمعی از نویسندگان، معارف قرآن، ج ۱، ص ۱۳۴

^۳ لاهوری، کلیات اشعار فارسی، ص ۳۶۵

آیا درباره پایان گرفتن جهان با جنگ و خونریزی و ظلم و بیدادگری، یا حکومت صلح و عدالت و امنیت، الهام های فطری می تواند به ما کمکی کند یا نه؟ پاسخ این سؤال مثبت است؛ زیرا دو نشانه قابل ملاحظه وجود دارد که می تواند ما را به حقیقت رهنمون گردد:

۱. عشق به صلح و عدالت

عشق به صلح و عدالت در درون جان هر کسی هست، همه از صلح و عدل لذت می برند، و با تمام وجود خود خواهان جهانی مملو از این دو هستند. با تمام اختلافهایی که در میان ملت ها و امتهای در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشقها و علاقه ها، خواستها و مکتبها، وجود دارد؛ همه بدون استثنا سخت به این دو علاقه مندند، و گمان می کنم دلیلی بیش از این برای فطری بودن آنها لزوم ندارد، چه اینکه همه جا عمومیت خواسته ها دلیل بر فطری بودن آنهاست.^۱

۲. انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ

تقریباً همه کسانی که در این زمینه مطالعه دارند متفقند که تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ انقلابی به سر می برند که هر کدام او را به نامی می نامند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول برنامه های انقلابی او اتفاق دارند. بنابراین، برخلاف آنچه شاید بعضی می پندارند، مسأله ایمان به ظهور یک نجاتبخش بزرگ، برای مرهم نهادن بر زخمهای جانکاه بشریت، تنها در میان مسلمانان، و حتی منحصر به مذاهب شرقی نیست، بلکه «اسناد و مدارک» موجود نشان می دهد که این یک اعتقاد عمومی و قدیمی، در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب است، اگر چه در پاره ای از مذاهب همچون اسلام تأکید بیشتری روی آن شده است. و این خود دلیل و گواه دیگری بر فطری بودن این موضوع است.^۲

ما در حال ورود به برهه ای از زمان هستیم که تا کنون بدین شکل در طول تاریخ سابقه نداشته و تجربه ای کاملاً نوین و جذاب فرا روی بشر قرار داده است. نزدیکی انسان ها، فرهنگ ها، تمدن ها و اقتصاد جهانی به یکدیگر، در ظاهر به سود همگان و مفید برای همه است و امری الزامی و اجتناب ناپذیر می باشد. این جریانی بسیار عظیم با هجمه ای بسیار وسیع است. جهانی شدن، دوره تازه ای در تمدن رایج کنونی و حاکم بر جهان است که بر اثر انقلاب ها و تحولات در عرصه اطلاعات و ارتباطات پیش آمده است.^۳

الآن، وضعیت جهان به گونه ای است که به روشنی و با جرأت، می توان تصویری جامع و شفاف از حکومت جهانی مهدی (عج) ارائه داد و ساختار و ساز و کارهای اجرایی و عملی «دولت کریمه» را بیان نمود. پیش تر از این، زمینه و موقعیت اندکی برای تبیین چگونگی و نحوه حکومت مهدوی وجود داشت و سطح آگاهی و فهم مردم جهان به حدی نبود که بتوان به طور علمی و قاطع، درباره حکومت فراگیر آن حضرت

^۱ مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۵۰

^۲ همان، ص ۵۲

^۳ کارگر، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، ص ۴۴

صحبت نمود. اما با تحقق انقلاب صنعتی، فزونی اختراعات و اکتشافات، پیشرفت علم و دانش، بالا رفتن سطح آگاهی و اندیشه، رشد فنّ آوری و تولیدات صنعتی، گسترش ارتباطات رسانه ای و تصویری، فزونی اطلاعات و اخبار، نزدیکی جوامع و مردم به یکدیگر، نفوذ فرهنگ ها و ایستارها و بالاخره پدیده رو به رشد «جهانی شدن»، نه تنها زمینه برای ارائه نظریه «حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» فراهم آمده است؛ بلکه زمینه و آمادگی برای «ظهور» آن حضرت نیز فراهم شده است.^۱

یکی دیگر از بایسته های «مهدویت»، بیان حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی و ظهور منجی بشریت و مصلح کل است. این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت را در برهه حساسی از زمان به دست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد و به وسیله او عدالت، رفاه، علم، بهداشت، آسایش، قسط و داد، آبادانی، یکتاپرستی و نیکی را در پهنه گسترده «زمین»، ارزانی خواهد بخشید. در این نوشتار قصد به تصویر کشیدن آن «جامعه جهانی موعود» را نداریم؛ بلکه تنها با استناد به روایات در صدد اثبات این مدعا هستیم که «حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، به یقین جهانی خواهد بود و تمام ساز و کارهای اداره حکومت جهانی، در آن وجود دارد. این بشارتی است که می تواند باعث تسکین خاطر بشر و زنده شدن امید به آینده ی پرافتخار شود.^۲

^۱ کارگر، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، صص ۷۰-۷۱

^۲ همان، صص ۷۱-۷۲

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد تا با تکیه بر نظریات متفکران جهان اسلام و استفاده از منابع دست اول، خواننده را به یک نگاه جامع و صحیح در جهت احیای تمدن اسلامی برای تحقق ظهور مهدی موعود(عج) رساند. برای انجام این منظور ابتدا سه حلقه ی مفقوده ی جامعه ی کنونی اسلام، یعنی تکیه بر قرآن و سنت نبوی(ص) و سیره ی اهل بیت(ع) تبیین شد تا این روشنگری سبب بازگشت روح حق طلب مسلمانان به حقیقت وجودی خود شود؛ پس از آن با تاکید بر اهمیت وحدت جامعه ی اسلامی سعی بر آن بود تا اصل مهم برادری را به جوانان مسلمان یادآورد شویم. در سه فصل بعدی با نگاهی به بیانیه ی گام دوم انقلاب که مسیر رسیدن به تمدن اسلامی است، خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی را به عنوان سه اصل مهم برای رسیدن به ظهور معرفی کردیم.

با پیوند صحیح میان این فصول، می توان دریافت که تحقق ظهور نیازمند رشد همگانی و اجتماعی جامعه اسلام در زمینه های معنوی، فکری، اجتماعی و جهانی است تا بتواند ابزار های جهانی ظهور که همان بیدار کردن روح عدالتخواهانه همه ی جامعه ی بشری، برای انتظار مصلح جهانی آخر الزمان است را فراهم آورد.

باید باور کنیم که نسل ما حامل یک مسئولیت تاریخی بزرگ است. مسئولیتی که تمام انبیای بشری از آدم تا خاتم(ص)، و تمام اولیای الهی در طول تاریخ برای تحقق آن لحظه ای درنگ نکردند و ما اکنون در آخرین مرحله ی رسیدن به حکومت آخر الزمانی مهدی موعود(عج) که همان ایجاد تمدن اسلامی پیش از ظهور است می باشیم. اگر همت کنیم، به زودی شاهد تحقق آن وعده ی بزرگ خواهیم بود.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱) اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- ۲) انور الرفاعی، محمد، تشکیلات اسلامی، (مترجم سید جمال موسوی)، مشهد: به نشر، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۳) بابایی خورزوقی، علی، گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی (خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی)، اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۹.
- ۴) بیستونی، محمد، "وحدت" از دیدگاه قرآن و سنت، قم: بیان جوان، ۱۳۸۶.
- ۵) جمعی از نویسندگان، معارف قرآن. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۶) جمعی از نویسندگان، یکصد آیه یکصد درس، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ستاد نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۸.
- ۷) خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ بیست و نهم، ۱۳۹۴.
- ۸) سعادت‌مند، رسول، فرهنگ خودسازی و خدمت رسانی از دیدگاه امام خمینی (ره)، قم: تسنیم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ۹) سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۱۰) شرف الدین، عبدالحسین، راه وحدت امت اسلامی، (ترجمه و تعلیق احمد صادقی اردستانی)، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹.
- ۱۱) صادقی آرمان، سید محمد، وحدت، قم: نشر شهید کاظمی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- ۱۲) طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، (مترجم محمد باقر موسوی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۱۳) طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، (مترجم علی عبدالحمیدی و دیگران)، مشهد: آستان قدس - بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۴) عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، چاپ اول، ۱۳۸۹

۱۵) کارگر، رحیم، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی(عج)، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰.

۱۶) مغنیه، محمد جواد، تفسیر کاشف، (موسی دانش)، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۷) مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی(عج)، قم: نسل جوان، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.

۱۸) وطن دوست، رضا، وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸.

۱۹) وکیلی، محمد حسن، از انقلاب اسلامی تا تمدن اسلامی (رهیافتی به بیانیه گام دوم انقلاب)، مشهد: موسسه خدمات مشاوره ای و پژوه های اجتماعی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸.

مقالات

۲۰) کافی، مجید، الزامات نظری احیای تمدن ایرانی اسلامی، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال پنجم پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۱۰

۲۱) عینی زاده، محمد، مودب، سید رضا، نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه ای، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۶، شماره اول.